

چالش تاریخی تأمین سرمایه‌ی جهت توسعه‌ی پایدار بخش بالادستی صنعت نفت کشور

سردبیر |



سایه‌ی سکوت و سیاهی عفریت تحریم توسط زورمندان تاریخ تمدن بشری بر سر ناتوانان تازگی ندارد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه اقتصاد و تجارت مبنای توسعه‌ی جامعه‌ی انسانی است. تحریم اهرمی است که در تقابل قدرت‌ها و نیروها عامل مؤثری در اعمال فشار و درهم شکستن مقاومت جهت پیروزی و غلبه بر دیگری بوده است. به گفته‌ی باستانی پاریزی، آغا محمدخان قاجار برای فتح کرمان محاصره‌ی اقتصادی چندین ماهه‌ای بر این شهر اعمال کرد؛ تا جایی که مردم از شدت گرسنگی مجبور به خوردن سگ و گربه شدند. البته گاهی نیز مظلوم برای درهم شکستن قدرت ظالم از این حربه استفاده کرده است. در تاریخ کشورمان نمونه‌های زیادی از این دست داریم؛ مثل تحریم تنباکو با فتوای میرزای شیرازی توسط مردم مظلوم و لغو امتیازی تجاری برای یک اجنبی ظالم. «همیشه شعبون، یه‌دفعه‌م رضون...»

البته در این‌گیرودار تاریخ تمدن انسانی بسته به نیروی اراده و خواست و انگیزه‌ی معطوف به قدرت ضعفا، گاهی نتیجه عکس شده و تحریم نه‌تنها باعث درهم شکستن مقاومت مظلوم نشده بلکه انگیزه‌ای برای تدبیر، برنامه‌ریزی، تولدی دوباره و جذب قدرت و به‌قول معروف «عدو شده سبب خیری» و آنها را از بند نقطه‌ضعف قابل تحریم رها کرده است. نمونه‌ی آن در همین کشور چند میلیاردی، کشور دوست و برادر، حکومت حزب مرکزی کمونیست چین، که این ملت مبتلا به افیون و مخدر را در عرض چند سال انگیزه و توان بخشیده که امروزه به‌جرات می‌توان گفت قدرت اول تجاری جهان هستند و در صنعت

ملی کردیم. اما هنوز هم همراه با چالش تأمین سرمایه ... و بعد هم با آن بگیر و ببندها ...! حالا هم که حدود چهل سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد در کنفرانس‌های اکتشاف و تولید موضوع چالش‌سیمان به‌قول آن پیرمرد تاریخ نگارمان همین گذر از گردنه‌ی هفت پیچ است که اگر به‌موقع نجنبیم هفت بندش می‌شود هفتاد بند ...

مجلسیان محترم و محترمه اخیراً در آن مرکز پژوهش‌های جلیله موضوع را از مدخل اهمیت و ضرورت تأمین رابطه‌ی مالی دولت و شرکت ملی نفت ایران بررسی کرده بودند و اهم مسائل را از دیدگاه دولت، سپس از دیدگاه شرکت نفت و در نهایت از دیدگاه قوه‌ی مقننه بررسی و یادآوری کردند که قبل از انقلاب شرکت نفت با درآمدهای حاصل از تولیدات و استفاده از منابع داخلی و خارجی، سرمایه‌ی توسعه‌ی صنعت را تأمین می‌کرده و از محل پرداخت‌های حاصل از سود سهام خود و مالیات و البته بهره‌ی مالکانه‌ای که از کنسرسیوم‌های خارجی می‌گرفته چالش‌ها را حل می‌کرده

نفت به‌خصوص در عرصه‌ی بالادستی حجم سرمایه در گردش نجومی دارند.

بنابراین در طبیعت بشر اصول و عناصر بالقوه‌ای نهفته شده که اگر توسط عواملی بالفعل گردد می‌توان از جمع بی‌حال، خسته و ناتوان، جمعی سر حال و توانمند ساخت، بر اریکه‌ی قدرت سوار شد و تاخت و تاز هم کرد.

با این مقدمه می‌روم سر اصل مطلب و با پرسشی تاریخی از خودم در این حدود بیست سالی که در حوزه‌ی بالادستی بودیم و تاریخ آن را زیر و زبر کردیم؛ از آن بزنگاه تاریخی دارسی و کتابچی‌خان دل‌دال‌باشی تا حال که: چرا تا امروز در طول این ادوار تاریخی، چالش تأمین سرمایه در صنایع بالادستی اکتشاف و تولید حل نشده؟!

ابتداهم علم تأمین سرمایه نداشتیم. البته لازم بود بدانیم اصلاً چه داریم و چقدر داریم؟ بعد هم که علم پیدا کردیم دیدیم همه را دارند به یغما می‌برند. البته با تأمین سرمایه به‌خوبی از خواب غفلت بیدارمان کردند. به حول و قوه‌ی الهی صنعت نفت را برای ملت شریف

است. پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ با تصویب تبصره‌ی ۳۸ قانون بودجه‌ی درآمدهای شرکت نفت از محل بودجه‌ی عمومی حاصل از فروش تولیدات خام نفت و گاز داخلی مستقیماً به خزانه واریز شده، بهره‌ی مالکانه با اخراج شرکت‌های خارجی حذف گردیده و از سال ۱۳۶۶ با صدور مجوز صادرات ۳۰۰ هزار بشکه نفت برای تأمین هزینه‌های توسعه‌ای و استفاده از ارز صادراتی آن ارتقاء یافته است. همچنین مجوز استفاده از روش تأمین مالی به صورت بیع متقابل که در درازمدت سرمایه‌ی توسعه‌ی این صنعت را فراهم نکرده است. از سال ۱۳۸۴ هم مجوز استفاده از قسمتی از درآمدهای حاصل صادرات نفت (۶ درصد خشکی و ۱۱ درصد دریا) برای شرکت نفت مجوز استفاده از صندوق ارزی از طریق مابه‌التفاوت قیمت فرآورده‌ها با قیمت فروش تکلیفی به شرکت گاز، شرکت پخش و پالایش و شرکت توانیر صادر شد. البته مشکلات ساختاری وزارت نفت و شرکت نفت، شفاف‌سازی‌ها و عدم رعایت برخی مفاد قانون اساسی در این خصوص که کماکان مورد ادعای مجلسیان بود باقی مانده و در نهایت کارآیی و جایگاه بین‌المللی شرکت نفت در کنار رقبا را زیر سؤال برده است.

در حال حاضر با وجود سیاست‌های ابلاغی توسعه‌ی برنامه‌ی پنجم و ... هنوز مشکل تأمین سرمایه‌ی، سؤال اساسی خانه ملت است که البته حوزه‌ی نفت حداقل از سال ۱۳۹۴ در مجموعه‌ی پیشنهادها و راهکارهای خود موارد زیر را برای آن ارائه کرده است:

در سمینار تخصصی راهبردهای تأمین مالی در حوزه‌ی انرژی اعلام شد

در برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی ششم توسعه‌ی کشور، بخش‌های بالادست و پایین دست به ترتیب نیازمند ۱۰۰ و ۸۰ میلیارد دلار منابع مالی هستند. در سال‌های گذشته حدود ۷۵-۷۰

میلیارد دلار در بخش نفت سرمایه‌گذاری شده است. در این بخش با توجه به هدف تحقق رشد اقتصادی ۸ درصدی کشور، سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری منطقی است و هم اکنون نیز عوامل توسعه فراهم است.

جهت تأمین ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنعت نفت در برنامه‌ی ششم، ۱۴ میلیارد دلار از محل منابع صندوق توسعه‌ی ملی، ۱۰ میلیارد دلار از محل قراردادهای EPCF، ۸ میلیارد دلار از محل بازار سرمایه، ۱۲ میلیارد دلار با استفاده از تسهیلات، ۲۵ میلیارد دلار در قالب قراردادهای IPC و ۳۱ میلیارد دلار از محل منابع این شرکت تأمین می‌شود.

در دوران قبل از تحریم، مدل‌های تأمین مالی پروژه‌ها کوتاه‌مدت و محرمانه بود که پس از آن به تدریج مدل‌های بیع متقابل مطرح شدند.

حدود ۲۰ میلیارد دلار از طریق بیع متقابل تأمین مالی شده و با احتساب بازگشت منابع، بهره‌ی مالی، سود و دستمزد پیمانکاران حدود ۳۰ میلیارد دلار با این مکانیزم تأمین مالی انجام شده است.

بر اساس گزارش IEA، ۷۰ درصد جمعیت جهان تا سال ۲۰۳۵ به سمت شهرنشینی حرکت می‌کند در نتیجه مصرف انرژی نیز رو به افزایش است.

بر اساس پیش‌بینی‌های IEA تا ده سال آینده ۱۶ تریلیون دلار در بخش‌های بالادست و پایین دست نفت سرمایه‌گذاری می‌شود.

با ارتقاء فن‌آوری و استفاده از روش‌های EOR و IOR در حوزه‌ی نفت می‌توان تولید هیدروکربورهای مایع را تا حدود ۶ میلیون بشکه افزایش داد. بنابراین با استفاده از روش‌های ازدیاد برداشت و افزایش تولید، باید مانع از هدر رفتن بازارهای اصلی صادراتی نفت خام کشور شد.

باید از مکانیزم‌های EPC، EPCF & EPDF، اوراق مشارکت، ECA و ابزارهای مالی و مدل جدید قراردادهای نفتی (IPC) در حوزه‌ی

بالادست استفاده کرد. قراردادهای IPC مدل پیشرفته‌ی بیع متقابل است که علاوه بر تأمین منابع مالی، انتقال فن‌آوری با هدف افزایش ضریب برداشت از میادین نفتی کشور و به دست آوردن بازار جهانی را نیز به دنبال دارد.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در مدل جدید قراردادهای نفتی ملزم به داشتن شریک ایرانی است. اگر در مدل‌های جدید قراردادهای نفتی، شرکت‌های E&P و IOC بین‌المللی حضور داشته باشند، ایران برای مدتی طولانی بازارهای هدف را در دست خواهد گرفت.

تأمین سرمایه و منابع مالی در بالادست صنعت نفت به الزاماتی از جمله بهبود رتبه‌ی اعتباری کشور در سطح بین‌المللی و بهبود روابط مالی بین شرکت ملی نفت ایران و دولت نیاز دارد.

سهم اندک شرکت ملی نفت ایران از مجموع درآمد و ارزش افزوده‌ای که این شرکت برای کشور خلق می‌کند را می‌توان یکی از اصلی‌ترین چالش‌ها برشمرد.

اگرچه با برخی اصلاحات در رژیم مالی بین نفت و دولت و در دستور کار قرار گرفتن قوانینی مانند بند-ق تبصره‌ی ۲- قانون بودجه‌ی سال ۹۳ و همچنین ماده‌ی ۱۲- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، تا حدودی مشکلات ناشی از تأمین مالی پروژه‌های صنعت نفت رفع شد. هر چند این رژیم مالی همچنان نیازمند اصلاحات است.

تا قبل از مدنظر قرار گرفتن ماده‌ی ۱۲- اقتصاد پروژه‌های نفت به شدت آسیب می‌دید و در قیمت‌های کم نفت خام، پروژه‌ها با ریسک جدی روبه‌رو می‌شدند. اما خوشبختانه اکنون با استفاده از ظرفیت‌های این ماده‌ی قانونی امکان بهره‌مندی از ۵۰ درصد عواید طرح‌ها فراهم شده است.

در اجرای پروژه‌های نگهداشت و تولید نفت در قالب EPC، از روش‌های مختلف تأمین

مالی از جمله منابع صندوق پروژه استفاده خواهد شد.

بهبود رتبه اعتباری کشور، لازمی جذب سرمایه‌های خارجی است

در سال ۲۰۱۶ بیش از ۸۰۰ هزار میلیارد دلار در طرح‌های اکتشاف و تولید نفت و گاز جهان سرمایه‌گذاری شده است؛ حیف است که ایران از بازاری بدین گستردگی سهمی نداشته باشد. البته مشکلات تأمین منابع مالی در صنعت نفت محدود به شرکت‌های ایرانی نیست؛ بلکه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در دنیا نیز به دلیل رشد انرژی‌های تجدیدپذیر و انواع دیگر انرژی با چالش‌هایی روبه‌رو هستند.

شرکت‌های اکتشاف و تولید متوسط و کوچک دنیا از روش‌های خلاقانه‌ای برای جذب منابع مالی استفاده می‌کنند و به‌طور معمول از طریق بازار سرمایه به بازار تأمین منابع مالی وارد می‌شوند.

شرکت‌های آی.اوسی نیز به دلیل گستردگی و ساختار منسجم سرمایه‌داری، در سطح بین‌المللی رتبه‌های خوب اعتباری دارند و این موضوع روند جذب سرمایه را در این شرکت‌ها آسان می‌کند.

شرکت‌های ملی نفت دنیا بدین نتیجه رسیده‌اند که باید به سمت حداقل کردن نقش دولت با هدف دستیابی به اثربخشی بیشتر حرکت کنند.

شرکت‌های اکتشاف و تولید ایرانی و شرکت‌های داخلی برای موفقیت در سطح بین‌المللی باید روابط خود را با کارگزاری‌های خارجی تقویت کنند.

آخرین خبر از مصاحبه‌ی مستقیم وزیر محترم نفت در این رابطه، تأمین سرمایه‌ی افزایش تولید در ۲۹ میدان نفتی و نگهداشت، نوسازی و به‌سازی تجهیزات این میادین با سرمایه مردمی است که می‌تواند در راستای

نهادینه‌سازی نگاه به ظرفیت‌های داخلی قدمی مهم و تأثیرگذار باشد.

هفتم خرداد ماه سال جاری در جلسه‌ی شورای عالی اقتصاد، درخواست وزارت نفت مبنی بر افزایش تولید نفت از ۲۹ میدان نفتی در حال بهره‌برداری و نیز نگهداشت، نوسازی و به‌سازی تجهیزات در این میادین تصویب شد.

بیژن زنگنه، وزیر نفت در خصوص این مصوبه توضیحاتی ارائه داد. این عضو کابینه تصریح کرد: تعداد ۲۹ طرح برای نگهداشت و افزایش تولید میادین در حال بهره‌برداری در ایلام، خوزستان، گچساران، فلات‌قاره و فارس طراحی شده که پول و سرمایه‌ی آن قرار است از طریق مردم تأمین مالی شود.

وزیر نفت با بیان اینکه تمامی فعالیت افزایش برداشت از این میادین به شرکت‌های ایرانی واگذار می‌شود افزود: بیش از ۷۵ درصد تجهیزات برای توسعه‌ی برداشت‌ها، ایرانی است و لیست مفصلی از تجهیزات ایرانی ضمیمه‌ی قرارداد می‌شود که پیمانکاران مکلفند این تجهیزات را از شرکت‌های ایرانی خریداری کنند.

وی با بیان اینکه یکی از اهداف اجرای این طرح ایجاد اشتغال و تقاضا برای کالا و خدمات ایرانی است ادامه داد: ۴ درصد از کل مبلغ درآمدی صرف رسیدگی به مناطق اجرای طرح‌ها شده و طرح‌هایی برای محرومیت‌زدایی در این مناطق اجرا می‌گردد.

این عضو کابینه‌ی دولت دوازدهم یادآور شد: بازپرداخت اصل و فرع پول از محل ۵۰ درصد درآمدهای اضافی حاصل از اجرای طرح‌ها انجام می‌شود.

زنگنه با بیان اینکه در حال حاضر مناقصات این طرح‌ها در جریان است افزود: قراردادهای در سال جاری آغاز می‌گردد و مدت اجرای طرح از زمان اولیه دو سال است که بر این اساس ظرف سه سال ۴۶۰ میلیون بشکه به تولید افزوده

می‌شود و سپس تا ۲ میلیارد بشکه به‌نسبت خط‌های تخلیه افزایش تولید خواهیم داشت که درآمد زیادی برای کشور ایجاد می‌کند.

وزیر نفت تصریح کرد: این از بهترین طرح‌هایی بوده که طراحی شده و با کمک ۱۰۰ درصدی شرکت‌های ایرانی به نتیجه می‌رسد. تأمین مالی صنعت نفت کشور از ظرفیت‌های مالی موجود کشور از مباحثی بود که همواره طی سالیان اخیر توسط کارشناسان مورد تأکید قرار گرفته بود. اما این موضوع با توجه به امید دولت به تأمین مالی پروژه‌های نفتی با جذب سرمایه‌های خارجی در دوران پسابرجام کمتر مورد توجه قرار گرفت.

حال که با اقدام غیرمنطقی رئیس‌جمهور آمریکا و همراهی کشورهای اروپایی با این اقدام، توافق برجام عملاً بلااثر و متوقف شده، توجه به ظرفیت‌های داخلی نه‌تنها می‌تواند مانع از رکود صنعت نفت کشور شود بلکه با این رویکرد می‌توان شاهد توسعه‌ی این صنعت بود. در حال حاضر حجم نقدینگی کشور حدود ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان است که در صورت اعمال سیاست‌های صحیح برای جذب این سرمایه‌ی مردمی می‌توان پروژه‌های متعددی را تأمین مالی کرد.

مسئولان بازار سرمایه‌ی کشور از جمله مسئولان سازمان فرابورس بارها اعلام کرده‌اند که بازار سرمایه، ظرفیت تأمین مالی صنعت نفت را دارد. قبل از این نیز شاهد صدور اوراق مشارکت نفتی در بازار سرمایه‌ی کشور، فروش چنددقیقه‌ای این اوراق و استقبال کم‌نظیر مردم و دارندگان سرمایه از این اوراق بوده‌ایم.

تأمین سرمایه‌ی افزایش تولید در ۲۹ میدان نفتی و نگهداشت، نوسازی و به‌سازی تجهیزات این میادین با سرمایه‌ی مردمی، خبری امیدبخش از وزارت نفت است که می‌تواند قدمی مهم و تأثیرگذار در راستای نهادینه‌سازی نگاه به ظرفیت‌های داخلی باشد. ■